

Journal iranian political sociology
Vol. 5, No.10, dey 2022

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.278714.1624>

Abstract

In Iranian law, as in many oil-rich countries, the privilege of upstream oil and gas operations is monopolized by the government. The purpose of this study is to investigate the elements and effects of civil liability of state oil companies in Iranian and French law. This research is based on the idea of corporate responsibility. This means that civil liability is imposed on the legal personality of companies, not on their pillars such as company managers. It is on this basis that the French Supreme Court, in its judgment of Erica, as well as other arbitral tribunals, in its judgment against state-owned oil companies, condemned the company itself and sought damages from the legal entity. Conviction against state-owned oil companies is the result of their being sued in liability lawsuits, which are either filed against the government of the state-owned oil company or directly against the state-owned oil company. Of course, in cases where the oil insurance company assumes responsibility for the risk, the company is sued by the deputy director of the state oil company.

Keywords:

Civil Liability, French Supreme Court, Erica Vote, State Oil Companies, Oil-Rich Countries, Upstream Oil and Gas Operations

تحلیل امکان جبران خسارات در قراردادهای تجاری بین‌المللی (مطالعه موردی ایران و فرانسه)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

آرمان صاحبی^۱

حسن مرادی^۲

نجادعلی الماسی^۳

علیرضا مظلوم رهنی^۴

چکیده

در حقوق ایران همانند بسیاری از کشورهای نفت خیز، امتیاز عملیات بالادستی نفت و گاز در انحصار دولت است. هدف از انجام این پژوهش بررسی ارکان و آثار مسئولیت مدنی شرکت های نفتی دولتی در حقوق ایران و فرانسه می باشد. این پژوهش را بر ایده مسئولیت شرکتی بنیان نهاده است. بدین معنا که مسئولیت مدنی را بر خود شخصیت حقوقی شرکت ها بار نموده، نه بر ارکان آنها مانند مدیران شرکت. بر همین اساس است که دیوان عالی فرانسه در رأی اریکا و همچنین سایر دیوان های داورى هنگام صدور رأی علیه شرکت های نفتی دولتی، خود شرکت را محکوم علیه قرار داده اند و خسارت را از شخصیت حقوقی مطالبه کرده اند. محکوم علیه بودن شرکت های نفتی دولتی نتیجه خوانده بودن آنها در دعاوی مسئولیت است که یا علیه دولت متبوع شرکت نفتی اقامه می شود و یا اینکه بطور مستقیم علیه شرکت نفتی دولتی اقامه دعوا می گردد. البته در مواردی که مسئولیت ریسک را شرکت بیمه نفتی بر عهده گرفته، این شرکت به قائم مقامی شرکت نفتی دولتی خوانده دعوی مسئولیت قرار می گیرد.

کلید واژگان

مسئولیت مدنی، دیوان عالی فرانسه، رأی اریکا، شرکت های نفتی دولتی، کشورهای نفت خیز، عملیات بالادستی نفت و گاز

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

^۲ استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ استاد، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۴ استادیار، گروه حقوق، واحد قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

در مفهوم عام می توان شرکت را قرارداد یا توافق (حتی ذهنی) بین افراد دانست که برای دستیابی به هدف و مقصودی معین و مشترک منعقد می شود. افراد مذکور می توانند اشخاص حقیقی یا حقوقی با اهدافی متفاوت و خاص باشند که در مجموعه ای تحت عنوان شرکت که دارای اهداف مشخص و ثابتی است فعالیت می کنند. در صورتی که دولت یا یکی از نهادهای آن در شکل گیری و ادامه ی فعالیت شرکت موثر باشد شرکت با دولت مرتبط بوده و می تواند یک شرکت دولتی باشد اما چنانچه نقش دولت در تشکیل و ادامه ی فعالیت شرکت نقش کلیدی و تعیین کننده ای باشد آن شرکت مطمئناً دولتی و در راستای اصول و ضوابط و اهداف و سیاست های دولت سازماندهی می شود (یزدانیان، ۱۳۹۴: ۲۰). مسئولیت مدنی از مباحث مشترک بین حقوق عمومی و حقوق خصوصی است. حقوق خصوصی اصل مسأله را مطرح می کند و حقوق عمومی آن را به دولت تعمیم می دهد (مرادخانی و اسفندیاری، ۱۳۸۸: ۳۰؛ محمدزاده وادقانی، ۱۳۷۷: ۲۰). مبنای مسئولیت مدنی دولت به این پرسش پاسخ می دهد که چه نوع ملاحظات اخلاقی، فلسفی و حقوقی موجب می گردد تا دولت از لحاظ مدنی در برابر خسارتی که به دیگری وارد کرده است مسئول شناخته شود. نظام مسئولیت مدنی ایران در خصوص مسئولیت شرکتی همانند نظام های حقوقی کامن لا و فرانسه به خوبی پیشرفت نکرده است. این امر یکی از عوامل موثر در انتخاب موضوع این پژوهش می باشد (Davenport, 2019; Hao, 2019). همچنین در آثار حقوقی جدید، مفهوم شرکت دولتی بطور جامع و آنطور که باید مورد مطالعه و نگارش قرار نگرفته است. از آنجا که شرکت های نفتی دولتی موضوع اصلی این پژوهش است، در همین اثر بطور جامع و مختصر پیرامون شرکت های دولتی مطالبی ارائه می گردد. علاوه بر اینها آنچه موجب تاسیس شرکت های نفتی دولتی می گردد، اصل مالکیت دولتی بر منابع نفت و گاز است. دولت به عنوان نماینده مردم به دو صورت شرکت های نفتی را اداره می کند. صورت اول آنکه دولت مالک شرکت باشد و صورت دوم حالتی است که مالک شرکت مردم هستند اما دولت به نمایندگی از مردم، شرکت را در اختیار می گیرد و مدیریت می کند. در هر دو صورت فلسفه وجودی شرکت نفتی دولتی یکسان است. براین اساس در اکثریت مطالعات اصل مالکیت در دو نظام حقوقی کمتر مطرح گشته و در پژوهش حاضر این اصل به دلیل اهمیت آن در ساختار شرکت های نفتی دولتی پرداخته است. بنابراین ارکان و آثار مسئولیت مدنی شرکت های نفتی دولتی، مواردی است که بسیار حائز اهمیت است و به منظور بررسی دقیق تر با مطرح کردن دو پرسش زیر تلاش بر این است که به طور مفصل تر به این موضوع پرداخته شود.

۱- راهکار جبران خسارت از سوی شرکت های نفتی دولتی در رویه قضائی و فرانسه چیست؟

۲- نقش معاهدات و کنوانسیون های بین المللی در شناخت مسئولیت مدنی اینگونه شرکت ها چگونه است؟

۲-پیشینه تحقیق

شیروی و شعبانی جهرمی (۱۳۹۷)، طی مطالعه ای به بررسی رژیم بین المللی مسئولیت ناشی از آلودگی فعالیت های حفاری فراساحلی پرداختند. حفاری چاه های نفت و گاز در دریا می تواند سبب آلودگی خارج از قلمرو کشور محل فعالیت شود و به قلمرو جغرافیایی سایر کشورهای نیز خسارت وارد کند. جبران خسارت وارده به دولت های زیان دیده مستلزم اثبات نقض وظیفه دولت محل انجام فعالیت است که این امر پرداخت غرامت به صورت فوری و کافی را سخت می نماید. بنابراین لازم است نظام مسئولیت ناشی از اعمال ممنوع نشده اما زیانبار، تحت حقوق بین الملل پیش بینی شود. اگرچه فعالیت های حفاری فراساحلی خطرناک اند، براساس حقوق بین الملل از اعمال مجازند و اصولاً توسط اشخاص خصوصی انجام می گیرند. مسئول شناختن اشخاص در سطح بین المللی برای فعالیت های زیانبار که سبب بروز آلودگی فرامرزی می شود، از عدم جبران خسارات وارده به قربانیان جلوگیری می کند. سیفی قره یتاق و همکاران (۱۳۹۴)، طی مطالعه ای به بررسی بیمه اجباری مسئولیت مدنی صاحبان کشتی در آلودگی های نفتی با تاکید بر کنوانسیون مسئولیت مدنی ۱۹۶۹ با اصلاحات بعدی پرداختند. در کنوانسیون های مربوط به آلودگی نفتی، مالکان آنها (در معنای عام) مسئول جبران خسارت مزبور شده اند، اما در غالب موارد قربانی خسارت، حتی اگر محکوم له واقع شود با اعسار مسئول حادثه مواجه خواهد شد. بر این اساس کنوانسیون مسئولیت مدنی و کنوانسیون بانکر از نظام بیمه اجباری برای تضمین خسارت زیان دیده بهره جسته است. در این نظام مالکان کشتی مکلف به اخذ بیمه نامه یا تضمین مالی دیگر از بیمه گرهای معتبر بین المللی تا سقف مقرر هستند که همه خطرات و اعمال مالکان کشتی، مباشران و کارگزاران آنها را تحت پوشش قرار می دهد. لیکن خسارت ناشی از قوای قاهره، تقصیر عمدی ثالث، خطای تام منقطع رابطه علیت زیان دیده و خسارت عدم النفع از شمول بیمه خارج هستند. شرط دیگر تضمین بیمه ای ورود خسارت در محدوده سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی دولت متعاهد، ظرفیت کشتی از بیش از هزار تن در آلودگی نفت سوخت و بیش از دو هزار تن در آلودگی محموله نفتی است. به علاوه دولت متعاهد متضرر که در محدوده سرزمینی وی آلودگی رخ داده و هر شخص حقیقی و حقوقی که متحمل خسارت مادی، بدنی و مالی شده ، در برابر بیمه گذار و بیمه گر، شخص ثالث محسوب می شوند. در این کنوانسیون ها مکانیسمی برای مطالبه و جبران زیان آلودگی نفتی در دریاهای آزاد از بیمه گر وجود ندارد و مضافاً در محدود دریایی سر سرزمینی نیز آلودگی نفتی شناورهای با ظرفیت پایین تر را پوشش نمی دهد. لذا پوشش همه جانبه خسارت آلودگی نفتی نیازمند اصلاح کنوانسیون و وضع بیمه اجباری کامل تر است. بیمه اجباری مسئولیت آلودگی نفتی، ابعاد حقوقی متعددی دارد که پرداختن به همه آنها در این مقال نمی گنجد. در این مقاله کوشش می شود به تبیین و ابعاد حقوقی شرایط تضمین بیمه، خطرات تحت پوشش، سقف تعهدات بیمه گر، استثنائات بیمه و خسارات قابل جبران پرداخته شود.

مودلی (۲۰۱۸)، طی مطالعه ای به تجزیه و تحلیل رعایت قوانین مسئولیت مدنی بین المللی برای آسیب آلودگی نفتی ناشی از کشتی ها و هماهنگ کردن با آن، رژیم مسئولیت مدنی آفریقای جنوبی برای آسیب آلودگی نفت توسط کشتی ها پرداخته است. این مقاله به بررسی این قوانین در برابر فواصل کنوانسیون های مربوطه بین المللی از جمله UNCLOS (کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها) است که یک چارچوب کلی را فراهم می کند. پیش از این قوانین اصلاحیه، رژیم سعودی منسوخ شده بود و جبران خسارت ناشی از نشت نفت عمده را به عهده داشت. سوال اصلی تحقیق این است: آیا رضایتمندی مسئولیت مدنی بین المللی، با رعایت قوانین مدنی بین المللی، مطابقت دارد و مناسب آن است؟

۳-روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش اجرای تحقیق از زمره تحقیقات توصیفی و تحلیلی است. بدین معنا که مبانی نظری توصیف و بیان گردیده و در مرحله تطبیقی با موضوعات خارجی، تحلیل صورت گرفته است. بنابراین روش تحقیق، علاوه بر توصیفی تحلیلی بودن، تطبیقی نیز می باشد. تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز بر اساس اسناد و مدارک موجود و به شیوه توصیفی صورت می پذیرد. در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای یا اسنادی استفاده شده است.

۳-۱۱ ارکان مسئولیت مدنی شرکت های نفتی دولتی

۳-۱-۱-۱ مسئولیت مدنی ناشی از عملیات بالادستی

عملیات بالادستی، موضوع فعالیت بیشتر شرکت های نفتی دولتی است. چون یک عمل حاکمیتی است که دولت ها خود را منحصرآ مجاز به این نوع فعالیت می دانند. پس لزوم جبران خسارت از سوی دولت یا شرکت های نفتی دولتی بیشتر اهمیت پیدا می کند مانند موارد ذیل:

- حفر چاه:
- سلب مالکیت:
- احتراق چاه:
- تولید و استخراج:
- آلودگی دریایی:
- آلودگی گودال ها:

- برداشت غیرصیانتی:

۲-۱-۳ مسئولیت مدنی ناشی از عملیات پائین دستی

خسارت هایی که در هنگام انجام عملیات پائین دستی رخ می دهد می تواند از نوع خسارت های صنعتی باشد یعنی خسارت هایی که در فرایند تولید فرآورده های نفتی و انتقال آنها حادث می شود. خسارت ها در این نوع به خسارت های مالی، جانی و زیست محیطی تقسیم می شوند (هاکل، ۱۳۸۴) که شامل موارد ذیل می گردد:

- انتقال نفت و گاز
- انتقال از طریق خط لوله
- انتقال از طریق دریا
- پالایش

۲-۳ مسئولیت مدنی ناشی از ضعف پیمانکاران

ضعف مدیریت پیمانکار می تواند به عنوان قصور پیمانکار از اسباب مسئولیت مدنی شمرده شود. ضعف در مدیریت صنعت نفت و گاز که در هر دو بخش بالادستی و پائین دستی مطرح است، از مصادیق عنصر مادی تحقق مسئولیت مدنی در حوزه نفت و گاز می باشد (فتح آبادی و هادی، ۱۳۹۰؛ فتح آبادی و هادی، ۱۳۹۱). صنعت نفت و گاز نیاز به مدیریت قوی در بخش ایمنی دارد. پیمانکار ملزم است تا مقررات ایمنی، بهداشت و محیط زیست را رعایت کند، در غیر این صورت چه آنکه قصور کرده باشد و چه تقصیر، مسئول مدنی شناخته می شود.

۳-۳ مسئولیت مدنی ناشی از خسارات

تمام خسارت هایی که از صنعت نفت و گاز سرچشمه می گیرد ناگزیر پیامدهای اقتصادی دارد و از طرفی تأثیر غیر مستقیم بر فرهنگ ساکنین مناطق نفت خیر می گذارد. زیان های زیست محیطی، زمین های کشاورزی را از بین می برد و از این طریق اشتغال در روستاها را کاهش می دهد و بازدهی اقتصادی جوامع روستایی را تنزل می بخشد (جعفری قنواتی، ۱۳۸۳: ۳۵). شاید نتوان بطور واضح در محاکم ایران، مسئولیت ناشی از خسارات فرهنگی و اقتصادی را اثبات کرد. یعنی در عالم اثبات دلیل متقن و موثق وجود نخواهد داشت اما بدیهی است که در عالم ثبوت چنین خساراتی شرکت های نفتی دولتی را واجد مسئولیت مدنی می سازند. در حقوق ایران، برای اثبات مسئولیت مدنی در هر موردی که نص قانونی وجود ندارد قاعده لاضرر دامنه وسیع خود را می گسترد.

۳-۴-۱ ادعای مسئولیت مدنی

• اقامه دعوا

پس از وقوع حادثه زیانبار و ورود خسارت اگر دو طرف نتوانند درباره چگونگی جبران خسارت و میزان آن به توافق رسند، زیان دیده ناچار است برای الزام مسئول در دادگاه طرح دعوی کند و ارکان مسئولیت مدنی (تقصیر، ورود ضرر، رابطه علیت میان تقصیر با فعل خواننده و ضرر) را اثبات کند (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۵). البته در قراردادهای نفتی بویژه در قراردادهای سرمایه گذاری خارجی طرفین می توانند شیوه های جایگزین دادگاه را انتخاب کنند که معمولاً دعاوی نفتی به دلیل تخصصی بودن به دیوان های داوری ارجاع داده می شوند. خواننده بودن شرکت نفتی دولتی در دعوایی امکان دارد که یا حادثه نفتی بصورت غیرمترقبه واقع شده و یا اینکه میزان ریسک در قرارداد نفتی بطور مطلوب پیش بینی نشده و به همین دلیل شرکت بیمه از پذیرش مسئولیت و پرداخت خسارت سر باز می زند. اما اگر شرکت بیمه مسئولیت حادثه و یا خسارت را بر عهده گیرد، این شرکت بیمه نفتی است که به قائم مقامی از شرکت نفتی دولتی، خواننده دعوا است. بطور کلی در حقوق بیمه ایران، چون میان شرکت بیمه و شخص ثالث و ورود خسارت رابطه سببیت وجود ندارد باید پذیرفت که شرکت بیمه به قائم مقامی از شرکت نفتی دولتی که ایراد خسارت نموده، طرف دعوا قرار می گیرد و خسارت را پرداخت می کند. در حقوق جدید فرانسه نیز نظریه قائم مقامی شرکت بیمه پذیرفته شده است. در بسیاری از قراردادهای نفتی متنی مشابه متن رو به رو در مورد مذاکره وجود دارد: «چنانچه اختلافی میان طرفین درباره قرارداد و نحوه تفسیر و اجرای آن بروز کند طرفین در ابتدا تلاش خواهند کرد که اختلاف را از طریق مذاکره و مشاوره و به صورت دوستانه حل و فصل کنند. اگر این اختلاف ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ کتبی به صورت دوستانه حل و فصل نشود، هر کدام از طرفین می تواند اختلاف را به داوری ارجاع نماید». اگر مسائلی که در قرارداد نفتی مورد اختلاف است جنبه فنی داشته باشد طرفین، اختلاف را به کارشناس ارجاع می دهند. کارشناسی یک نوع رسیدگی حقوقی نیست. در داوری و دادرسی رأی لازم الاجرا صادر می شود اما در کارشناسی صرفاً نظر کارشناس ارائه می شود و لازم الاجرا نیست. در مورد شیوه سازش و میانجیگری به عنوان مثال به بند ۱ ماده ۴۲ قرارداد تیپ مشارکت در تولید کشور آذربایجان اشاره می کنیم. در این بند مراجعه به میانجیگری توسط هر کدام از طرفین پیش بینی شده است. به موجب این بند، هرگاه طرفین ظرف ۶۰ روز نتوانند اختلافات خود را از طریق مذاکره حل و فصل نمایند، هر کدام از طرفین می توانند تقاضای حل و فصل اختلاف از طریق میانجی را طبق آیین میانجیگری دیوان داوری بین المللی لندن حل و فصل کند (شیروی و شعبانی جهرمی، ۱۳۹۷).

• حل اختلاف نفتی از طریق روش های حقوقی

روش های حقوقی به دو نوع تقسیم می شوند: نوع اول، داوری است و نوع دوم، دادرسی یعنی رسیدگی در دادگاه می باشد. اگر طرفین هیچ توافقی هنگام انعقاد قرارداد نفتی مبنی حل اختلاف از طریق شیوه های جایگزین دادگاه نداشته باشند و اینکه بعدا نیز به این توافق نرسد، اختلاف مزبور از طریق دادگاه حل خواهد شد. که بحث مرتبط با آن یعنی تعارض دادگاهها یعنی همان دادگاه صالح در عنوان بعدی بررسی خواهد شد. اما اگر طرفین اختلاف نفتی، در هنگام انعقاد قرارداد اصلی، توافق به ارجاع اختلاف به داوری داشته باشند و یا اینکه هنگام اختلاف به این توافق برسند، اختلاف به داوری و یا هیئت داوری و یا دیوان داوری ارجاع داده می شود. داوری یکی از روش های معمول برای رفع اختلافات در صنعت نفت به خصوص در قراردادهای بالادستی است (شیروی، ۱۳۹۳: ۴۵). در قراردادهای سرمایه گذاری خارجی نیز ارجاع اختلاف به داوری تبدیل به یک رویه شده است. در اینجا به مواردی اشاره می شود که داوری در قراردادهای نفتی پذیرفته شده است. در دعوی مسئولیت مدنی شرکت های نفتی دولتی مهمترین و اصلی ترین سؤالی که در هنگام حل و فصل اختلافات نفتی بین المللی از طریق دادگاه مطرح می شود اینست که کدام دادگاه در سطح جهانی برای رسیدگی به پرونده صالح است؟ در اینجا قصد داریم به این سؤال پاسخ دهیم. دعوی نفتی بین المللی حسب اقامتگاه خواننده، اقامتگاه خواهان، محل انعقاد قرارداد یا محل اجرای آن و یا محل وقوع خسارت و یا محل متضرر از جرم، ممکن است به کشورهای گوناگونی مرتبط شود. به دیگر سخن تعیین دادگاه صالح بستگی به دعوی مورد نظر دارد. بدیهی است در اختلافات بین المللی، معمولا هرکشوری سعی دارد تا دادگاه خود را صالح بداند. بطور خلاصه می توان عوامل زیر را در تعیین دادگاه صالح مؤثر دانست. در صورت صلاحیت بیش از یک دادگاه، عواملی که شمرده می شود می تواند دادگاه صالح را برگزیند. در خصوص آخرین عامل باید گفت طرفین دعوی مسئولیت می توانند قبل از بروز اختلاف یا بعد از آن بر حل اختلاف از طریق دادگاه یک کشور خاص به توافق برسند. امروزه بیشتر نظام های حقوقی به این توافق احترام می گذارند، یعنی اگر طرفین دادگاه یک کشور خاص را برای حل اختلاف صالح بدانند آن کشور هرچند هیچ ارتباطی به دعوا نداشته باشد، می پذیرد که آن دعوا را حل و فصل کند. در حقیقت، کشورها از این طریق می خواهند اعتبار قضائی خود را در سطح جهان افزایش دهند. مانند محاکم فرانسه که دعاوی بین المللی زیادی را حل و فصل می کنند صرفا به این دلیل که طرفین، دادگاههای فرانسه را برای حل اختلاف انتخاب کرده اند.

• قانون حاکم بر دعوای پرونده های نفتی در ایران و فرانسه

بحث قانون حاکم بر مسئولیت مدنی شرکت های نفتی دولتی پس از شناخت دادگاه صالح مطرح می شود. بطور کلی در حقوق بین الملل خصوصی همیشه پس از تشخیص دادگاهی که باید به دعوا رسیدگی کند باید به این سؤال پاسخ داد که دادگاهی که صالح شناخته شده باید بر اساس کدام قانون رسیدگی کرده و رأی را صادر کند. برخی از نویسندگان حقوق نفت و گاز، در مبحث اختلافات نفتی صرفاً به بیان بحث دادگاه صالح بسنده کرده اند، که از این نظر روش بیان آنها قابل نقد است. در نظام های حقوقی مختلف، نظریه های بسیاری در خصوص قانون حاکم بر دعوای مسئولیت مدنی پذیرفته شده است. نگارنده در اینجا سعی دارد ابتدا این نظریه ها را عنوان کند سپس با بررسی چندین پرونده نفتی، به نظریه های پذیرفته شده از سوی دادگاهها در هنگام رسیدگی به دعوای مسئولیت مدنی شرکت های نفتی دولتی تأکید کند. از آنجا که ایالات متحده امریکا مهد حقوق تعارض قوانین است نظریات جدید در این زمینه توسط حقوقدانان امریکائی ارائه شده که به کشورهای دیگر از جمله فرانسه سرایت کرده است. بطور کلی با پنج نظریه راجع به تعیین قانون حاکم بر مسئولیت رو به رو هستیم که عبارتند از:

۱- قانون مقر دادگاه

۲- اجرای تلفیقی قانون مقر دادگاه و قانون محل وقوع فعل زیانبار

۳- قانون محلی

۴- قانون منطبق با منافع دولت

۵- قانون مناسب مسئولیت مدنی

۳-۲-۴ طرح دعوای مربوطه در ایران و فرانسه

۱) رویکرد قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به صلاحیت دیوان در رسیدگی به

دعوای مربوط به شرکت های دولتی

بند ب ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ در مورد صلاحیت دیوان عدالت اداری مقرر می دارد که رسیدگی به تظلمات و شکایات اشخاص حقیقی یا حقوقی از تصمیمات و اقدامات مؤسسات و شرکت های دولتی در صلاحیت دیوان عدالت اداری است. در یکی از آراء وحدت رویه دیوان عدالت نیز که خواهان علیه شرکت نساجی مازندران اقامه دعوا کرده بود، به دلیل غیر دولتی بودن شرکت مزبور دیوان عدالت اداری این دعوا را رد می کند و در رأی صادره مقرر می دارد: « مطابق اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

و ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴ دیوان مرجع اختصاصی رسیدگی به شکایات و تظلمات مردم علیه واحدهای دولتی و مأمورین آنها در قلمرو اختلافات ناشی از انجام وظایف و مسئولیتهای قانونی مربوط است که چون برابر محتویات پرونده شرکت نساجی مازندران واجد اوصاف شرکت دولتی به کیفیت مورد نظر مقنن نمی باشد، شکایت به طرفیت آن شرکت قابل رسیدگی و استماع در دیوان نیست. لذا دادنامه شماره ۳۳ مورخ ۱۳۷۲/۲/۱ شعبه دهم دیوان در پرونده کلاسه ۹۱۸/۷۱ که متضمن این معنی میباشد موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده میشود». مفهوم مخالف این رأی حاکی از پذیرش دعای مطرح شده به طرفیت شرکت های دولتی در دیوان عدالت اداری ایران است (خلجی و نظریگی، ۱۳۹۳).

۲) رویه دیوان عدالت اداری نسبت به صلاحیت دیوان در رسیدگی به دعاوی مربوط به شرکت های دولتی

دیوان عدالت اداری در آراء صادره، به مفهوم دولت، واحد دولتی و شرکت دولتی رویکرد یکسانی نداشته است. در برخی از آراء شرکت های دولتی را جزئی از دولت و در برخی دیگر این شرکت ها را دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولت دانسته است. از آنجا که طبق اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به منظور رسیدگی به شکایات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین و یا واحدها یا آئین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوان عدالت اداری تأسیس شده است، تفسیر و برداشت دیوان از مفهوم دولت و شرکت دولتی بسیار اهمیت دارد (استوار سنگری، ۱۳۹۰: ۵۶). در ادامه به دو گونه موضع گیری دیوان پیرامون مفاهیم یاد شده می پردازیم.

• رویکرد یک وجهی:

در این رویکرد، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دولت را یک مجموعه واحد و یک پدیده یک وجهی دانسته است و دستگاه و نهاد دولتی را تحت هر عنوان در قالب و مفهوم دولت قرار داده است.

• رویکرد دو وجهی

در این رویکرد، اگر واحدهای دولتی از آن جهت که اعمال حاکمیت می کنند و در جنبه یا چهره اصلی خود که دولتی بودن است، در دیوان عدالت علیه واحدهای دولتی دیگر اقامه دعوا نمایند، دعوی آنها قابل استماع نیست. اما اگر این واحدها، از آن جهت که در جایگاه دولت قرار ندارند اقامه دعوا کنند و یا اینکه شخص دیگری علیه آنها اقامه دعوا کند،

• نمونه پرونده در نظام حقوقی ایران

اولین حمله به تأسیسات «رشادت» و «رسالت» در ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ م. توسط چهار ناوشکن آمریکا و پشتیبانی جنگنده های «اف ۱۴» به مدت ۴۵ دقیقه صورت گرفت. در اثر این حمله، استخراج نفت از این سکوها به کلی قطع شد. بهانه آمریکا برای این حمله، اصابت موشکهای کرم ابریشم ایران به تانکر *Sea Isle City* ایالات متحده بود. جمهوری اسلامی ایران نیز با ردّ این اتهام، اعلام کرد که موشکها توسط عراق شلیک شده است. دومین حمله آمریکا در ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ م. صورت گرفت. سکوهای نفتی «نصر» و «سلمان» که تعمیرات آنها پایان یافته بود، مورد تهاجم سه فروند کشتی نیروی دریایی آمریکا قرار گرفت. نیروی دریایی ایالات متحده با یک اخطار چند دقیقه ای به پرسنل مستقر در این سکوها برای ترک محل، با شلیک دهها توپ و کار گذاشتن مواد منفجره، این سکوها را منفجر و صددرصد تخریب کرد. بهانه آمریکا برای دومین حمله، استفاده ایران از این سکوها برای مین گذاری در مسیر کشتیرانی بین المللی در خلیج فارس بود که در اثر آن، کشتی آمریکایی (*USS Samuel B. Roberts*) با مین برخورد کرد و چند تن از خدمه آن کشته و مجروح شدند. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز با ارسال نامه ای به دبیر کل وقت سازمان ملل متحد، ضمن اعلام اینکه مینها توسط عراق و از طریق هوا کار گذاشته شده است، به تجاوزات و حملات نیروهای آمریکایی، شدیداً اعتراض کرد و از طریق مراجع قضایی بین المللی نیز مطالبات خود را پی گیری کرد. دولت جمهوری اسلامی ایران همچنین در ۲ نوامبر ۱۹۹۲ م. با ارائه دادخواستی به دیوان بین المللی دادگستری از ایالات متحده آمریکا شکایت کرد. جمهوری اسلامی ایران در دادخواست خود استدلال کرد که دیوان به این سبب صلاحیت رسیدگی به این پرونده را دارد که براساس قرارداد منعقد، دو طرف می توانند برای حلّ و فصل اختلافات فیما بین خود درخصوص اجرا یا تفسیر مواد معاهده در صورتی که مذاکره و دیگر راههای دیپلماتیک نتیجه بخش نباشد، به دیوان بین المللی دادگستری شکایت کرده و اقامه دعوا کنند. نهایتاً در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶ م. دیوان با صدور حکمی، اعتراضات صلاحیتی آمریکا را وارد ندانست و براساس بند ۲ ماده ۲۱ معاهده مودت ۱۹۵۵ م. صلاحیت خود را در رسیدگی به دادخواست ایران علیه آمریکا که به موجب بند ۱ ماده ۱۰ همین معاهده صورت گرفته بود، احراز کرد. پس از صدور حکم صلاحیتی بسیار مهم دیوان در سال ۱۹۹۶ م.، ایالات متحده که در فاز صلاحیتی مجبور شده بود با دستهای خالی از دیوان برگردد، با ثبت لایحه متقابلی ضمن ردّ ادعای ایران، ادعای متقابل خود را حول دو محور زیر مطرح کرد و بدین ترتیب ترجیح داد که از «حالت تدافعی حقوقی» به «موضع تهاجمی حقوقی» تغییر وضعیت دهد. در حقیقت ایالات متحده در حالی که متشاکی پرونده سکوهای نفتی بود، در مقام شاکی آن نیز قرار گرفت. دیوان بین المللی دادگستری نیز پس از استماع اظهارات شفاهی دو طرف، نهایتاً در تاریخ ۶ نوامبر

۲۰۰۳ م. حکم نهایی خود را درخصوص پرونده سکوهای نفتی ایران در سه بخش مجزا تنظیم و صادر کرد که مهم ترین نکات آن به شرح زیر است: در قسمت اول، دیوان اقدامات نظامی دولت آمریکا علیه چهار سکوی نفتی ایران را با توجه به قواعد حقوق بین الملل در خصوص ممنوعیت استفاده از زور و برخلاف ادعاهای آمریکا و به موجب بند ۱ ماده ۲۰ معاهده مودت، اقدامی که «ضروری حفظ منافع و امنیت حیاتی آمریکا» باشد، تشخیص نداد. در قسمت دوم حکم، دیوان استدلال دولت ایران مبنی بر اینکه اقدامات نظامی آمریکا علیه سکوهای نفتی، «آزادی تجاری بین قلمرو دو دولت» مصرح در بند ۱ ماده ۱۰ معاهده مودت را نقض کرده است، نپذیرفت؛ لذا درخواست ایران درخصوص دریافت خسارات وارده به سکوها و قطع فعالیت اقتصادی آنها را رد کرد. در قسمت سوم حکم، دیوان ادعای متقابل آمریکا را مبنی بر اینکه مین گذاری و شلیک موشک از ناحیه ایران و اصابت آنها به کشتی های آمریکایی، «آزادی کشتیرانی بین قلمرو دو دولت» مصرح در بند ۱ ماده ۱۰ معاهده مودت ۱۹۵۵ م. را نقض کرده و ایران مکلف به پرداخت خسارت است، نیز رد کرد. تجزیه و تحلیل علل صدور چنین حکمی مستلزم دقت در کلمات به کار رفته در ماده قراردادی یاد شده می باشد که چنین مقرر می دارد: «بین قلمرو دولتمین متعاقد باید آزادی تجاری و کشتیرانی وجود داشته باشد.» نتایج حاصل از پرونده سکوهای نفتی را نمی توان با قطع نظر از موقعیت دیوان بین المللی دادگستری به عنوان رکن قضایی سازمان ملل متحد و نقش آرای آن در میان آرای سایر مراجع قضایی بین المللی مورد ارزیابی قرار داد. نقش، اهمیت و جایگاه ویژه «دیوان بین المللی دادگستری» در عرصه حقوق بین الملل را باید از اساسی ترین نقاط افتراق این دیوان نسبت به سایر دیوانهای بین المللی به حساب آورد. توجه به دیدگاه فرآپرونده ای دیوان را می توان در غالب آرای صادر شده، از جمله در پرونده سکوهای نفتی ایران نیز ملاحظه کرد. دیوان در پرونده سکوهای نفتی نه تنها به وظیفه اصلی خود، یعنی حل و فصل حقوقی دعوا عمل کرد، بلکه رسالت دیگری نیز ماورای واقعیات پرونده برای خود قائل شد. این رسالت، «تبیین قواعد حقوق بین الملل در زمینه های مورد اختلاف دو طرف (استفاده و کاربرد زور در روابط بین المللی) برای آیندگان» است؛ بنابراین، در بررسی و ارزیابی آرای دیوان در هر قضیه ای باید به این نقش تکمیلی و با اهمیت دیوان نیز توجه کرد.

• نمونه پرونده در نظام حقوقی فرانسه

۲۵ سپتامبر ۲۰۱۲ دیوان عالی کشور فرانسه حکمی را در مورد قضیه کشتی اریکا صادر کرد که مسئولیت مدنی و جزایی شرکت های نفتی بین المللی را گسترش داد. این رای به منظور پیشگیری از فجایع زیست محیطی، تعهدات اختیاری این شرکت ها را نیز تشدید کرد. در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۲، بخش کیفری دیوان عالی در جلسه ای عمومی و پس از تایید نظر دادگاه استیناف که مرجعی ذی صلاح برای رسیدگی به دعاوی عمومی و مدنی است، تصمیم خود را در مورد فجایع زیست محیطی نفتکش اریکا اعلام کرد. نفتکش اریکا با پرچم مالت حامل محموله ۳۰۸۸۴ تنی نفت

سنگین بود. این نفتکش که در حال عبور از خلیج گاسکونی بود پس از شکستگی در بدنه، در ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۹ غرق شد. خسارات ناشی از این حادثه تا ساحل نیز کشیده شد و ۴۰۰ کیلومتر از ساحل (از برتانی تا شارلت ماریتیم) را آلوده کرد. در جلسه رسیدگی به دعاوی عمومی، دیوان عالی کشور فرانسه این اصل را مطرح کرد که تعداد بسیاری از مفاد کنوانسیون ملل متحد در رابطه با حقوق دریا، در مورد حفاظت و صیانت از محیط زیست دریایی می باشد. این مفاد توجیه می کرد که فرانسه می تواند با بهره گیری از صلاحیت دستگاه قضایی خود، نفتکش بیگانه ای که با نشت غیر عمدی مواد نفتی خود خسارت عظیمی به دریای سرزمینی و سواحل این کشور وارد کرده را محکوم و مجبور به جبران کند. دادگاه استیناف بر اساس ماده ۸ قانون ۵۸۳-۸۳ مصوب پنج ژوئیه ۱۹۸۳، مالک نفتکش اریکا، مدیر عامل شرکتی که مسئولیت مدیریت فنی این نفتکش را به عهده داشت و شرکت توتال را به خاطر آلودگی غیر عمدی مجرم اعلام کرده و حکم را از لحظه حادثه قابل اجرا دانست. قضات دیوان عالی نیز این تصمیم را تایید کردند. با واکاوی این رأی می توان به مباحث مهمی از مسئولیت پرداخت. مباحثی همچون توسعه مسئولیت های اجتماعی شرکت ها براساس تعهدات اختیاری آن ها، تشدید مسئولیت شرکت های مادر در شرکت های زیر مجموعه و همچنین جنبش عمومی که مسئولیت مدنی و جزایی شرکت های حمل و نقل را به زیر سوال می برند.

۳-۶ پذیرش مسئولیت و جبران ضرر

در مقام تخصیص ریسکهای قراردادی باید ریسکهای موضوع قرارداد براساس اینکه کدام طرف قراردادی به نحو مؤثرتری توان مدیریت و بیمه کردن و پذیرش ریسکها را دارا است، تخصیص یابد. بنابراین صرف تخصیص ریسک در مقام انعقاد قرارداد کفایت از تخصیص و انتقال مسئولیت در قرارداد نمیکنند، بلکه مقدم بر این امر باید شناسایی و ارزیابی ریسکهای قراردادی صورت گیرد و مهمتر از آن قابلیت و تواناییهای طرف مقابل و هم چنین قوانین و مقررات حاکم بر فضای قرارداد مورد سنجیده شود تا بتوان براساس یک شناسایی و ارزیابی همه جانبه از ریسکها و قابلیتهای طرفین قرارداد، وارد فضای قراردادی شد و براساس این یافته ها، ریسکهای قراردادی را تخصیص داد. در نتیجه متعهد شدن در ارتباط با مفاد شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت نیز از این قاعده مستثنا نیست. منظور از ساختار، سازوکاری است که در راستای ایجاد شرط مذکور باید رعایت گردد تا نیازهای مورد نظر طرفین از شرط مرتفع گردد. طبیعتاً شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت نیز مانند سایر شروط قراردادی یکی از شروط مورد توافق طرفین بوده، بالتبع باید در تعیین مفاد آن مانند سایر شروط عمل کرد. تعهد به جبران خسارت و پذیرش مسئولیت معمولاً از توافق طرفین در قالب تعهدات قراردادی ناشی می شود. این تعهد خواه به صورت صریح و یا به صورت ضمنی در جمله شروط قرارداد درج میشود و طرفین نسبت به مفاد آن تعهداتی را پذیرا می شوند. به عنوان مثال قانون شرکتهای ایالت نیو سالت ویلز استرلیا در ماده ۲۴ خود شرکت را موظف میسازد که تمامی شرکای خود را درخصوص کلیه

پرداختهایی که به افراد ثالث انجام می دهد و همچنین مسئولیتهایی که ناشی از مراودات عادی تجاری شرکت است، مصون از مسئولیت داشته، آنها را در ارتباط با خسارات وارد شده و مسئولیتهای ناشی از این اعمال مبرا نگه دارد. نتایج حاصل از شرط مزبور لزوماً به معنای ازاله مسئولیت به نحو مطلق نیست و این موضوع بیشتر برخاسته از تنوع مفاد این شرط از حیث میزان خسارات و افراد تحت پوشش این شرط است. بنابراین باید درخصوص مفاد این شرط به صرف ماهیت آن صرفنظر از میزان پوشش دهی آن پرداخت و به تعبیر دیگر براساس مفهوم حمایت دقیق تفسیر کرد.

۳-۷ جبران خسارت

یکی از اصول مسئولیت مدنی اصل جبران خسارت است. به موجب قانون مسئولیت مدنی هرکس به دیگری خسارتی وارد کند باید آن را جبران نماید و هیچ خسارتی نباید بدون جبران باقی بماند (Glazewski, 2000). اما در پرونده های نفتی مسأله جبران خسارت تا حدودی از قواعد کلی فاصله می گیرد؛ چراکه خسارت های نفتی طیف وسیعی از خسارت ها را شامل می شوند و که در این طیف، همه خسارت ها قابل جبران نیستند. در هر صورت، اگر دادگاه حکم به جبران خسارت دهد به نظر نگارنده فقط از دو طریق امکان جبران وجود دارد. راه اول، از بین بردن منبع ضرر؛ و راه دوم، پرداخت معادل مال فقط از طریق پرداخت قیمت می باشد. این دو شیوه یعنی از بین بردن منبع ضرر و پرداخت قیمت معمولاً همراه با یکدیگر اعمال می شوند. شرکت نفتی دولتی محکوم به پرداخت خسارت، ابتدا باید آلوده سازها را از محیط آلوده شده جمع آوری کند. همانطور که در هنگام نشت نفت در دریا و یا در ساحل، شرکت مسئول ابتدا باید ساحل و آب دریا را پاک سازی کند. این یک نوع اعاده وضع سابق و یا همان از بین بردن منبع ضرر است. انتشار آلوده سازها در محیط ساحلی و فراساحلی، ایجاد ضرر مستمر می کند. یعنی شرکت نفتی دولتی به کاری دست زده است که بطور مستمر موجب ضرر شده است. در این حالت از بین بردن منبع ضرر بهترین راه جبران ضرر است. طبق معاهده منشور انرژی نیز که بحث آن گذشت، شرکت دولتی فعال در بخش انرژی پس از اثبات مسئولیت مدنی، باید خسارات را آنطور که در قراردادهای سرمایه گذاری مقرر شده است پرداخت کند. این پرداخت ها به قیمت انجام می شود. با آنکه دسترسی به پرونده های نفتی یک امر تقریباً غیرممکن است و در حقیقت یکی از مشکلات این پژوهش هم عدم دسترسی به جزئیات دعاوی نفتی بوده، اما باز هم می توان طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی و برخی پرونده های فاش شده مانند دعاوی نفتکش اریکا و یا دعاوی فیلیپس پترولیوم، میزان جبران خسارت را تعیین نمود و یا راهکاری برای آن ارائه داد. در قراردادهای نفتی، میزان مسئولیت حتماً تعیین خواهد شد در غیر این صورت، خسارتی تعیین نمی شود. بدین معنا که تعیین خسارت پیرو تعیین مسئولیت است. در حوادث نفتی، اگر تقصیر شرکت نفتی دولتی محرز گردد و رابطه سببیت بین حادثه نفتی و شرکت مزبور روشن باشد،

بر اساس قاعده تقصیر مسئولیت شرکت نفتی اثبات می شود و میزان خسارت نیز بر همین اساس تعیین می گردد . همانند دعوای نفتکش اریکا که تقصیر شرکت توتال ثابت شد و پس از احراز رابطه سببیت، این شرکت محکوم به خسارت شد و میزان خسارت نیز بر اساس خسارت واقعی تعیین گردید. تعیین میزان خسارت بر اساس خسارت واقعی در حوادث نفتی ، از نظر حقوق ایران مشروعیت دارد. چون در حقوق ما به دشواری می توان میزان مسئولیت متعهد را محدود به ارزشی کرد که برای او قابل پیش بینی است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۵). خلاصه آنکه در دعوای داخلی برای تعیین میزان خسارت نفتی، دادگاه به نظر کارشناس رجوع می کند .یعنی از طریق کارشناسان نفتی خسارت تعیین می شود. اما در دعوای بین المللی روش های گوناگونی مانند روش قیمت بازار، برای تعیین میزان خسارت وجود دارد که از موضوع این پژوهش خارج است .اما برای نمونه به دعوای شرکت نفتی فیلیپس علیه دولت ایران اشاره می کنیم. در دعوای فیلیپس علیه ایران، که در سال ۱۳۶۸ هجری شمسی اقامه شد، این شرکت با توجه به سهم خود از درآمدهای نفتی ایران، محاسباتی را برای ارزیابی جریان نقدی آینده انجام داده بود و در این محاسبات نرخ تنزیل مورد نظر را نیز اعمال نمود. با این همه، این محاسبات از سوی دیوان داوری پذیرفته نشد .در واقع شرکت فیلیپس بر اساس روش محاسباتی دی سی اف، خسارت را ارزیابی کرده بود اما در نهایت دیوان داوری فقط به ۳۲ درصد میزانی که بر اساس روش مزبور بدست آمده بود حکم داد(داراب پور و علیخانی، ۱۳۹۳: ۲۶). قاعده عامی در مبحث مسئولیت مدنی وجود دارد که بر اساس آن هیچ خسارتی نباید جبران نشده باقی بماند. خسارت های نفتی، بسیار عظیم و حتی غیرقابل پیش بینی است .وقتی مسئولیت های شرکت های نفتی در ایجاد خسارت محرز می گردد باید در مرحله اول بدون مراجعه به دادگاه، خسارت تأمین شود. به همین دلیل است که در دنیای کنونی همه فعالیت های نفتی باید بیمه شوند. بیمه نفتی بهترین راهکار برای پوشش تمام خسارت های قراردادی و غیرقراردادی است. البته شرکت های بیمه نفتی، همه خسارت ها را بر عهده نمی گیرند و یا اینکه فقط در مورد شرکت های بخصوص و معتبر مثل شرکت اکسل موبیل امریکا و یا توتال فرانسه، تمام خسارت ها و مسئولیت ها را بیمه می کنند. در نهایت می توان گفت بیمه های نفتی تنها راه تأمین خسارت های نفتی نیستند. از آنجا که ایران به کنوانسیون بین المللی تأسیس صندوق بین المللی برای جبران خسارت ناشی از آلودگی نفتی ملحق شده است می توان برخی از خسارت ها را که در دریا رخ می دهد از این طریق جبران نمود.

۴- نتیجه گیری

این پژوهش بر اساس ایده مسئولیت شرکتی نگارش شده است. بدین معنا که مسئولیت مدنی را بر خود شخصیت حقوقی شرکت ها بار نموده، نه بر ارکان آنها مانند مدیران شرکت. در حقوق ایران همانند بسیاری از کشورهای نفت خیز، امتیاز عملیات بالادستی نفت و گاز در انحصار دولت است. شرکت های نفتی بسیاری به شکل ملی و یا دولتی به انجام این نوع عملیات می پردازند. علاوه بر این، شرکت های نفتی دولتی دیگر نیز وجود دارند که در کنار بخش خصوصی، عملیات پائین دستی را عهده دار هستند. هنگام تصدی گری دولت در عرصه نفت و گاز، امکان وقوع انواع خسارت های صنعتی، زیست محیطی و دریایی، اقتصادی و اجتماعی وجود دارد. این خسارت ها می تواند موجبات مسئولیت مدنی را برای شرکت های نفتی دولتی فراهم سازد. دولتی بودن و نفتی بودن این شرکتها، دو ویژگی است که آنها را از سایر شرکت های دولتی و شرکت های نفتی غیر دولتی متمایز می کند و از طرفی در انتخاب مبنای مسئولیت مدنی و نحوه جبران خسارت تأثیر دارد. در دعوی مسئولیت شرکت های نفتی دولتی، خواننده بر حسب آنکه دولت، شرکت نفتی دولتی، و یا شرکت بیمه نفتی باشد این خسارت ها را به دو شکل جبران می کند. اول آنکه باید منشأ ضرر را از بین ببرد یعنی محیط آلوده را پاک سازی کند؛ دوم، پرداخت خسارت را بصورت قیمتی انجام دهد. البته می توان راهکار دیگری برای جبران خسارت از سوی خواننده دعوا پیش بینی کرد و آن پرداخت قسمتی از تولیدات نفتی به عنوان خسارت است. در جائیکه عامل خارجی در حادثه نفتی نقش دارد بحث دادگاه صالح و قانون حاکم مطرح می شود. در تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوی شرکت های نفتی دولتی، چند عامل از جمله دولت متبوع شرکت نفتی، خواهان، خواننده، محل وقوع حادثه و قاعده پرچم دخیل می باشند. اما از این میان دو قاعده محل وقوع حادثه و قاعده پرچم مهمتر از سایر عوامل هستند. در هنگام تعارض قانون حاکم بر دعوا نیز حقوق ایران به تبعیت از حقوق فرانسه، قانون محلی را به معنای عام (یعنی قانون محل وقوع فعل زیانبار و قانون محل وقوع خسارت) حاکم دانسته است.

منابع فارسی

۱. یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۴) « مطالعه تطبیقی طرح قاعده مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۸، شماره ۲.
۲. مرادخانی، فردین و حسین اسفندیاری (۱۳۸۸) «مبانی مسئولیت مدنی دولت در پرتو قوانین ایران»، فصلنامه گفتمان حقوقی، دوره ۳، شماره های ۱۵.
۳. محمدمزاده وادقانی، علیرضا (۱۳۷۷) «رویه قضائی و نقش سازنده آن در حقوق»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۴.
۴. شیروی، عبدالحسین، شعبانی جهرمی، فریده (۱۳۹۷) «رژیم بین المللی مسئولیت ناشی از آلودگی فعالیت های حفاری فراساحلی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، شماره ۲.
۵. سیفی قره یتاق، داود، حسنی، وحید، مهدی پور، محمد (۱۳۹۴) «بیمه اجباری مسئولیت مدنی صاحبان کشتی در آلودگی های نفتی با تاکید بر کنوانسیون مسئولیت مدنی ۱۹۶۹ با اصلاحات بعدی»، پژوهشنامه بیمه، دوره ۳، شماره ۱.
۶. هاگل، استفان (۱۳۸۴) خسارت و روش های جلوگیری از آن، ترجمه رویا عامل، تهران: نشریه پژوهشکده بیمه.
۷. فتح آبادی، هادی، ابراهیم (۱۳۹۰) «معاهدات بین المللی در رابطه با جلوگیری از آلودگی محیط های دریایی در اثر فعالیت های فراساحلی اکتشاف و تولید نفت و گاز»، ماهنامه علمی ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، دوره ۳، شماره ۸۲.
۸. فتح آبادی، هادی، ابراهیم (۱۳۹۱) «آلودگی گودال ها در صنایع نفت و گاز»، ماهنامه علمی ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، دوره ۴، شماره ۱۰۸.
۹. جعفری قنواتی، محمد (۱۳۸۳) «ایران شناسی نفت و بازتاب آن در آثار داستان نویسان خوزستانی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ملی، دوره ۲، شماره ۱۸.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰) وقایع حقوقی: مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم.
۱۱. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳) حقوق نفت و گاز، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۱۲. خلجی، روح اله؛ نظریگی، فروغ (۱۳۹۳) «شرکت های دولتی؛ مفهوم، ماهیت و فلسفه»، ماهنامه مدرسه حقوق، دوره ۳، شماره ۵.

۱۳. استوار سنگری، کورش (۱۳۹۰) « مفهوم دولت در آراء وحدت رویه دیوان عدالت اداری»، *مجله علمی*

پژوهشی مطالعات حقوقی، دوره سوم، شماره ۱.

۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷) حقوق مدنی، ضمان قهری. مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ

دوم.

۱۵. داراب پور، محراب؛ علیخانی، محمد (۱۳۹۳) « ارزیابی شیوه های تعیین خسارت در چارچوب قواعد حقوقی؛

نگاهی بر دعاوی بین المللی نفت و گاز»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۴، شماره ۴.

Reference

۱۶. Davenport, Tara (2019) Responsibility and Liability for Damage Arising Out of Activities in the Area: Attribution of Liability.
۱۷. Hao, Huijuan (2019) "Prospect of China's Accession to the 1992 International Convention on the Establishment of an International Fund for Compensation for Oil Pollution Damage". *China Oceans L. Rev.*, 11(3), pp. 10-15.
۱۸. Moodley, Alecia Genise (2018) Analysing the international civil liability regime for oil pollution damage caused by ships and aligning with it the South African civil liability regime for oil pollution damage cause by ships (Doctoral dissertation, University of Cape Town).
۱۹. Glazewski, Jan (2000) Environmental Law in South Africa. UK: Butterworth-Heinemann.